

هدف کلی: توانایی تبیین اصل علیت و آثار و نتایج آن در جهان

اهداف آموزشی

توجه به قریحه پرسشگری در انسان و سؤال از علتها از همان کودکی؛

تعریف دقیق علت و معلول؛

توضیح نظر فیلسوفان درباره پذیرش اصل علیت توسط انسان؛

بیان اصل سنخیت علت و معلول، با ذکر نمونه و شواهد؛

توضیح درباره وجوب علی و معلولی

مجتبی محمودی

دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایذه

سال تحصیلی: ۱۴۰۱ - ۱۴۰۰

به کانال ما در تلگرام بپیوندید

t.me/mahmoudi_izeh : لینک کانال

۳

جهان علی و معلولی

در اواخر درس دوم، آنجا که دربارهٔ امکان الوجودها صحبت کردیم، سخن از «علت» به میان آمد و دربارهٔ نقش آن در وجود بخشی به ممکن الوجود، توضیحاتی داده شد. اکنون، در این درس می‌خواهیم رابطهٔ میان علت و معلول و جایگاه این رابطه را در هستی مورد بررسی قرار دهیم؛ موضوعی که عموم فیلسوفان دربارهٔ آن سخن گفته و اظهار نظر کرده‌اند.

نکته

انسان از همان اوایل کودکی که زبان می‌گشاید، از «چیستی» و «چرايي» اشیا پرسش می‌کند. برخی از کودکان که روحیهٔ پرسشگری بیشتری دارند، بعد از شنیدن پاسخ هر سؤال، «چرا»ی بعدی را مطرح می‌کنند به طوری که گاه پدر و مادر نمی‌توانند پاسخی قانع‌کننده و مناسب سن آنها بیابند و به ناچار می‌کوشند حواس این کودکان را به موضوع دیگری جلب نمایند. این چراها با بزرگ‌تر شدن کودک بیشتر و عمیق‌تر می‌شود و تا پایان عمر ادامه می‌یابد.



۱- یکی از کهن ترین مسائل فلسفی چیست؟ مسئله علت و معلول

۲- نخستین مسئله ای که فکر بشر را به خود متوجه ساخته و او را به تفکر و اندیشه وادار کرد، چه بود؟ چگونگی رابطه علت و معلول

۳- انسان از چه زمانی برای یافتن علل پدیده ها تلاش کرده است؟

تفکر*

آیا ساختمان ذهن کودک به گونه ای است که او «چرا» می گوید یا ساختار جهان چنان است که او را به «چرا» گفتن می کشاند؟ آیا پرسش های کودک صرفاً تقلیدی از بزرگ ترهاست یا واقعاً متوجه چیزی می شود که انگیزه سؤال کردن را در او زنده می کند؟ اصولاً ساختار ذهن کودک علت یاب است و بخش اعظم تفکر کردن همان

علت یابی است. به عبارت دیگر، انسان قدرت و توانایی تفکر و استدلال و یافتن علت ها و چگونگی ها را دارد و همین توانایی است که وقتی به کار می افتد سبب کسب علم و دانش می شود و به میزانی که انسان بیشتر تفکر کند، دانش بیشتری به دست می آورد.

پرسش های کودک، صرفاً تقلید از بزرگترها نیست. بله، تربیت بزرگترها سبب تقویت توانایی کودک در پرسشگری می شود، نه اینکه اصل پرسشگری را در او به وجود بیاورد و ایجاد کند. سؤال از چراها و چگونگی ها در نهاد هر کودکی هست

نکات مهم

رابطه علیت

یکی از کهن ترین مسائل فلسفی، مسئله علت و معلول است. شاید نخستین مسئله ای که فکر بشر را به خود متوجه ساخته و او را به تفکر و اندیشه وادار کرده، چگونگی، رابطه علت و معلول باشد³ (انسان از همان ابتدای ظهور خود بر روی این کره خاکی به دنبال علت یابی بوده و برای یافتن علل پدیده ها تلاش کرده است.)³

مقصود از «علت» و «معلول» و «رابطه علیت» چیست؟ → **سوالات خیلی مهم**

علت چیزی است که به چیزی دیگر وجود می دهد و آن چیز را به وجود می آورد؛ یعنی تا علت نباشد، آن چیز هم پدید نمی آید⁴ (معلول نیز چیزی است که وجودش را از چیزی دیگر - که همان علت است - می گیرد؛ یعنی در وجود خود، نیازمند به دیگری است.)⁵

ذهن	واقعیت
دلیل	علت
↓	↓
نتیجه	معلول

رابطه وجودبخشی میان علت و معلول را «رابطه علیت» می گویند. پس، رابطه علیت رابطه ای وجودی است که در آن، یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می دهد (کلمه «چرا» بازتابی از درک همین رابطه در ذهن انسان هاست و وقتی که یک انسان می گوید «چرا»، به دنبال یافتن علت یک پدیده و یک حادثه است. «چرا» یعنی «به چه علت؟»، «علت این حادثه چیست؟».)⁸

انسان با سؤال «چرا» می کوشد از طریق استدلال، رابطه های علی میان پدیده ها را بشناسد.

۷- کدام کلمه بازتابی از رابطه علیت در ذهن انسان ها است؟ چرا
۸- وقتی که انسان می گوید «چرا»، به دنبال یافتن چه چیزی است؟

تفاوت رابطه علیت با سایر روابط

گفتیم که (رابطه علیت رابطه ای وجودی است، یعنی وجود یک چیز ضرورتاً وابسته به وجود دیگری است و اگر علت باشد، معلول آن هم حتماً خواهد بود و اگر علت نباشد، معلول هم نخواهد بود. این رابطه با روابط دیگری که میان موجودات برقرار است، تفاوت دارد، مثلاً؛ رابطه علیت همانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می شود و سپس میان آنها دوستی برقرار می گردد.)⁹

۹- رابطه علیت یک رابطه وجودی است، یعنی چه؟ مثال بزنید

میان موجودات مختلف رابطه‌های گوناگونی برقرار است که یکی از آنها رابطه علیت می‌باشد. در جدول زیر، اشیایی در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند. آیا می‌توانید رابطه یا رابطه‌هایی میان آنها پیدا کنید؟ نام آن رابطه‌ها را بنویسید.

نوع رابطه	اشیا
خواهری و برادری	فرزندان یک پدر و مادر با یکدیگر
رابطه جذب، نیروی جاذبه	زمین و اشیای روی آن
تعلیم و تعلم	استاد و شاگرد
کارکردن و دستمزد دادن	کارفرما و کارگر
رابطه نظم، همکاری و هماهنگی	اجزای یک ساعت

تفاوت اساسی این قبیل رابطه‌ها با رابطه علیت چیست؟

در همه این رابطه‌ها، اجزا و اشیایی وجود دارند که با هم رابطه برقرار می‌کنند. اما در رابطه علیت، معلول وجود ندارد و علت به معلول وجود می‌دهد و آن را پدید می‌آورد

منشأ درک و پذیرش رابطه علیت

انسان چگونه متوجه رابطه «علیت» شده و آن را پذیرفته است؟ او از کجا دریافته که اگر علت یک چیز موجود باشد، ضرورتاً و حتماً معلول آن هم موجود می‌شود؟ ضرورت و حتمیت آمدن معلول بعد از علت را چگونه دریافته است؟

آیا این درک و دریافت، یک درک مادرزادی می‌باشد و از ابتدای تولد با کودک بوده است؟

یا اینکه این رابطه را از طریق تجربه و حس درک کرده و پذیرفته است؟ یا از راه عقل و استدلال عقلی؟ و یا از راهی دیگر؟

www.my-dars.ir

1- دیدگاه دکارت درباره اصل علیت را بنویسید؟

2- چرا از نظر دکارت درک رابطه علیت به تجربه و آموزش نیاز ندارد؟

3- از نظر تجربه گرایان، امپریست ها، انسان چگونه متوجه رابطه علیت می شود؟ مثال بزنید؟

دیدگاه برخی فیلسوفان اروپایی



کتاب «تأملات» یکی از کتاب‌های مهم دکارت است که در آن مبانی فلسفه او تبیین می‌شود.

- 1) از میان فیلسوفان اروپایی، دکارت معتقد بود که اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می‌آید و جزء اصول اولیه‌ای است که انسان آن را به‌طور فطری درک می‌کند؛ یعنی هر انسانی، با درکی از رابطه علیت متولد می‌شود و درک این رابطه نیاز به تجربه و یا آموزش ندارد¹ (بیرا پذیرش و قبول این رابطه، مقدمه و پایه هر تجربه و آموزشی است. البته یافتن مصداق‌های علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است.)²
- 3) اما تجربه‌گرایان² که هر چیزی را بر اساس حس و تجربه تحلیل می‌کنند، معتقدند که انسان از طریق حس، توالی یا هم‌زمانی پدیده‌ها را مشاهده می‌کند و رابطه ضروری میان علت و معلول را درمی‌یابد و از این طریق، رابطه علیت را درک می‌کند و بنا می‌نهد. آنان می‌گویند که مثلاً چون زمین همواره با آمدن خورشید، روشن می‌شود و با ناپدید شدن آن، تاریک می‌گردد، انسان متوجه رابطه‌ای میان این دو پدیده شده و دانسته که تا خورشید نیاید، زمین هم روشن نمی‌شود، یعنی یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین یافته و اسم این رابطه را «علت» گذاشته است.)³
- 4) در میان فیلسوفان تجربه‌گرا، دیوید هیوم، فیلسوف قرن هجدهم انگلستان نظر خاصی دارد. او با تجربه‌گرایان هم عقیده است که تنها راه شناخت واقعیات حس و تجربه است، اما می‌گوید رابطه ضروری میان علت و معلول یک موضوع حسی نیست و آن را نمی‌توان از طریق مشاهده حسی و تجربه به دست آورد و باید یک راه تجربی دیگر برای آن پیدا کرد⁴ (هیوم⁵ می‌گوید حس فقط می‌تواند اجسام و رنگ‌ها و شکل‌ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد؛ مثلاً چشم می‌بیند که با آمدن خورشید به آسمان، زمین روشن می‌شود اما اینکه یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشنی زمین باشد، چنین چیزی با حس قابل مشاهده نیست. او از همین مثال برای راه حل خود استفاده می‌کند و می‌گوید، بر اثر تکرار مشاهده طلوع خورشید و روشن شدن زمین، در ذهن ما چنین منعکس می‌شود که یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین وجود دارد. او



دیوید هیوم، فیلسوف اسکاتلندی قرن هجدهم است که درباره علیت نظر ویژه‌ای دارد. کتاب‌های «رساله درباره طبیعت آدمی»، «تحقیق درباره مبانی اخلاق» و «گفت‌و شنود درباره دین طبیعی» از جمله کتاب‌های اوست.

4- دیدگاه دیوید هیوم، درباره علیت را بیان کنید؟

5- مفهوم تداعی را با ذکر مثالی نزد هیوم توضیح دهید؟

۱. تاریخ فلسفه کاپلستون، ج ۴، ص ۱۰۷.
۲. (Empiricists). در بخش معرفت‌شناسی کتاب فلسفه سال یازدهم با برخی نظرات تجربه‌گرایان، مانند فرانسیس بیکن و جان لاک آشنا شدیم.

- 1- دیدگاه فلاسفه مسلمان درباره اصل علیت را بیان کنید؟
 2- اصل اجتماع نقیضین را از دیدگاه فلاسفه مسلمان با ذکر مثال تعریف کنید؟
 3- چرا بر اساس اصل امتناع اجتماع نقیضین پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند؟

این انعکاس ذهنی را «تداعی» می نامد و می گوید تداعی علیت چیزی جز یک حالت روانی ناشی از توالی و پشت سرهم آمدن پدیده ها نیست. از این طریق است که ما پنداشته ایم یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین برقرار است.⁵ برخی فیلسوفان دیگر اروپایی، از جمله کانت نظرات دیگری در این باره دارند که نیازمند بحث های گسترده تری است و امکان طرح آنها در اینجا نمی باشد.²

دیدگاه فلاسفه مسلمان

1) از نظر فلاسفه مسلمان اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی آید؛ بلکه خودش پایه و اساس هر تجربه ای است. دانشمندان علوم طبیعی به دلیل پذیرفتن اصل علیت دست به تجربه می زنند تا علل حوادث را پیدا کنند. پس هر تلاش تجربی خود مبتنی بر این قاعده است. در عین حال، این گونه هم نیست که انسان به طور مادرزادی در همان بدو تولد با این قاعده آشنا بوده و آن را درک می کرده است.² آنان می گویند: همین که ذهن انسان شکل گرفت، متوجه می شود که وجود یک چیز با عدم آن جمع نمی شود؛ یعنی درمی یابد که یک چیز، نمی تواند هم موجود باشد و هم موجود نباشد، یا هست و یا نیست و نیز درمی یابد که یک چیز نمی تواند هم خودش باشد، هم غیر خودش؛ مثلاً نمی شود که مثلث، هم مثلث باشد و هم غیر مثلث. این قاعده را منطقی دانان و فیلسوفان، اصل امتناع اجتماع نقیضین نامیده اند.³ انسان، براساس این اصل، درمی یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند؛ زیرا اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، قبلاً باشد تا بتواند خودش را به وجود بیاورد و این، همان اجتماع نقیضین است که محال بودن آن بدیهی است.³

از نظر این فیلسوفان، پس از شکل گیری ذهن و درک اصل امتناع اجتماع نقیضین است که وقتی کودک صدایی را می شنود یا حرکتی را مشاهده می کند، به دنبال منشأ صدا و عامل حرکت برمی آید؛ یعنی از این به بعد است که متوجه می شود حوادث، خود به خود رخ نمی دهند و دارای علل و عواملی هستند و آن علل را می توان پیدا کرد.

نکته

تطبیق

در کتاب سال یازدهم نظر دکارت و تجربه گرایان و فیلسوفان مسلمان درباره معرفت شناسی را خوانده اید. آیا

میان آن نظرات و دیدگاه آنان درباره علیت هماهنگی وجود دارد؟ دکارت معتقد بود که عقل انسان علاوه بر تجربه، دانشهای اولی هم دارد، بر آن مبنا در مورد علیت هم معتقد است که علیت از تجربه به دست نیامده و خود عقل، آن را درک می کند تجربه گراها نیز چون معتقدند که همه دانشها از تجربه به دست می آید، می گویند که درک و پذیرش اصل علیت هم از طریق حس و تجربه صورت می گیرد قانون علیت از نظر فلاسفه اسلامی یک قانون عقلی است و مادرزادی هم نیست و از طریق تجربه و درک توالی زمانی و مانند آن هم به دست نیامده است

۱. سرگذشت فلسفه، براین مگی، صفحه ۱۱۲، تاریخ فلسفه کاپلستون ج ۵، ص ۲۹۵. بحث در مابعدالطبیعه، ژان وال، ص ۳۲۲.

۲. ابن سینا که حدود شش قرن قبل از هیوم زندگی کرده، به گونه ای از علیت سخن گفته که گویا پاسخی برای هیوم آماده نموده است. وی می گوید: آری، درک این رابطه و پی بردن به «علیت» از طریق تجربه امکان پذیر نیست؛ زیرا ما از طریق حس و تجربه، فقط «به دنبال هم آمدن» یا «همراه هم آمدن» برخی پدیده ها را می یابیم اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای «علیت» نیست. لذا طبیعی است که کسی که صرفاً تجربه گراست، نمی تواند تبیین قانع کننده ای از علیت ارائه کند.

نکته

بنابراین، با اینکه کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه صورت می‌گیرد، اما خود اصل علیت از این طریق به دست نمی‌آید.

مقایسه

دیدگاه دیوید هیوم را با نظر ابن سینا مقایسه کنید و نظر خود را توضیح دهید. ابن سینا هم به «توالی» مورد نظر هیوم اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که این توالی به هیچ وجه منشا اعتقاد به علیت در انسان نشده و هم به موضوع عادت ذهنی توجه می‌کند. که هیوم آن را عامل پیدایش اصل علیت در انسان به شمار می‌آورد و این را هم ابن سینا مردود می‌شمارد

چه تفاوتی میان دیدگاه دکارت و ابن سینا وجود دارد؟

دکارت معتقد بود که اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می‌آید و جزء مفاهیم اولیه و بدیهی است که انسان

از آن درک فطری دارد، اما ابن سینا معتقد بود که درست است که پی بردن به اصل علیت از طریق تجربه امکان

پذیر نیست، اما بعد از درک علیت، برای اینکه علت حوادث طبیعی را بدانیم، باید از حس و تجربه خود استفاده کنیم

1- اصل سنخیت علت و معلول را با ذکر مثال توضیح دهید؟

سنخیت علت و معلول

انسان علاوه بر این درک که هر حادثه‌ای علت می‌خواهد، همچنین درک می‌کند که هر علتی، معلول خاص خودش را پدید می‌آورد و نیز می‌فهمد که هر معلولی از علت خاصی صادر می‌شود و پدید می‌آید؛ مثلاً آتش می‌سوزاند، آفتاب روشنایی می‌دهد و غذا انسان را سیر می‌کند. فیلسوفان این اصل را «سنخیت میان علت و معلول» می‌نامند و می‌گویند همه انسان‌ها به طور طبیعی و با همان عقل خود این حقیقت را قبول دارند و طبق همین اصل رفتار می‌کنند؛ مثلاً برای باسواد شدن درس می‌خوانند، برای سلامتی ورزش می‌کنند و غذای سالم می‌خورند و برای استحکام ساختمان از آهن یا بتن بهره‌م می‌برند.



نکته

فیلسوفان - به جز فیلسوفان تجربه‌گرا - می‌گویند که این اصل نیز مانند خود اصل «علیت» یک اصل عقلی است.² یکی از نتایج اصل سنخیت آن است که انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با آن را دارد؛ به همین سبب، می‌کوشد ویژگی‌های هر شیء را بشناسد و به تفاوت‌های آن با اشیای دیگر پی‌برد تا بهتر بتواند آثار ویژه آن را شناسایی کند.² البته برای اینکه بدانیم از هر علتی کدام معلول پدید می‌آید،³ باید از تجربه کمک بگیریم و از طرق مختلف تجربی، آثار و معلول‌های هر علتی را شناسایی کنیم.³ آنان می‌گویند اصل سنخیت پشتوانه عقلی

علامه طباطبایی و استاد مطهری اصل سنخیت را همچون خود اصل علیت یک اصل عقلی می‌دانند. آنان بحث دقیقی در این باره در کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم کرده‌اند که می‌تواند تکمیل‌کننده بحث کتاب باشد.

2- یکی از نتایج اصل سنخیت علت و معلول چیست؟

3- برای اینکه بدانیم از هر علتی کدام معلول پدید می‌آید، باید از چه چیزی کمک بگیریم؟

4- از نظر فیلسوفان با قبول کدام اصل می‌توان برای نظم جهان پشتوانه عقلی قائل شد و دانشمندان چگونه تحقیقات علمی خود را پیگیری می‌کنند؟

نظم دقیق جهان است و دانشمندان با تکیه بر همین اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند؛ دانشمندان وقتی با پدیده‌ای مواجه می شوند و می خواهند علت آن را بیابند، به سراغ عواملی می روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارند و علت آن پدیده را در میان آن عوامل جست و جو می کنند تا بتوانند به علت ویژه آن پدیده دست یابند) 4

بررسی

۱ آیا می توانید در میان رفتارهای آدمیان موردی را مثال بزنید که نشان دهد اصل سنخیت علت و معلول مورد پذیرش آنها نیست؟

خیر، همه انسان ها در اعمال و رفتارهای خود بر اساس اصل سنخیت عمل می کنند، مثلا غذا می خوریم چون از غذا انتظار داریم که سلامتی ما را تامین کند

۲ کسانی که این اصل را یک اصل تجربی می دانند، می گویند: «بنابر آنچه تاکنون تجربه کرده ایم، علت های خاص، معلول های خاص خود را دارند و نمی توانیم این اصل را به علت هایی که تجربه نکرده ایم، تعمیم دهیم.» نظر شما در این باره چیست؟

هر تجربه گرایی که با پدیده های جدید روبرو می شود باز هم بر اساس اصل سنخیت با آن برخورد می کند، یعنی به دنبال شناخت آثار ویژه آن پدیده است و انتظار دارد که آثار خاصی از آن ظاهر شود و این می رساند که اصل سنخیت علت و معلول یک اصل تجربی نیست

۳ آیا ضرب المثل هایی داریم که گویای اصل سنخیت علت و معلول باشد؟

گندم از گندم بروید جو ز جو

۱- چرا اشیایی که در ذات خود ممکن الوجود بوده اند، اکنون موجود هستند؟

۲- این که می گوییم معلول با قطع نظر از علت، امکان ذاتی دارد، یعنی چه؟ اصل وجوب بخشی علت به معلول را توضیح دهید؟ دو سوال و یک پاسخ

وجوب علی و معلولی

در درس قبل آموختیم که (اشیا و پدیده های موجود، در ذات و ماهیت خود، ممکن الوجود بوده اند و اگر اکنون موجود هستند، به خاطر این است که علت، آنها را از حالت امکانی خارج کرده و وجود را برای آنها ضروری و واجب ساخته و موجودشان کرده است).^۱

۲ اکنون که درباره علت و معلول سخن می گوئیم، جا دارد این را نیز اضافه کنیم که (آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد، علت است). معلول با قطع نظر از علت، «امکان ذاتی» دارد؛ یعنی ذات و ماهیتش نسبت به وجود و عدم مساوی است. با آمدن علت، وجود معلول ضرورت می یابد و موجود می شود. این رابطه ضرورت بخشی علت به معلول را «وجوب علی و معلولی» می گویند.^۲

۱. ملاصدرا فیلسوف بزرگ اسلامی قرن دهم و یازدهم هجری، این بحث را ارتقا داد و وارد مرحله جدیدی کرد. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره به جلد ششم مجموعه آثار استاد مطهری، صص ۶۴۱ تا ۷۱۸ مراجعه کنید.

- 1- نتایج اصل «علیت» را توضیح دهید؟
- 2- نتایج اصل «وجوب بخشی علت به معلول» را توضیح دهید؟
- 3- نتایج اصل «سنخیت میان علت و معلول» را توضیح دهید؟
پاسخ ها شماره 1 تا 3 می باشند

خلاصه و نتیجه

خلاصه و نتیجه آنچه تاکنون توضیح داده شد، عبارت است از:

- 1 پذیرش اصل «علیت»، زمینه ساز نگاهی ویژه به جهان و اشیای پیرامونی است. با قبول این حقیقت که هر حادثه علتی دارد، به ارتباط اجزای جهان با یکدیگر و پیوستگی شان پی می بریم و با مواجهه با هر پدیده‌ای در پی کشف منشأ و عامل پیدایش آن برمی آییم.
- 2 اصل «وجوب بخشی علت به معلول»، جهان را تابع رابطه‌ای ضروری و حتمی نشان می دهد؛ به گونه‌ای که اگر علت با تمام حقیقت خود تحقق یافت، یقین پیدا می کنیم که تحقق معلول نیز ضروری و حتمی می شود و وجود آن، وجوب پیدا می کند. باغبان بر همین اساس بذر می کارد و آن را آبیاری می کند و راننده با همین مبنا خودرویش را روشن و به جلو هدایت می کند.
- 3 اصل «سنخیت میان علت و معلول»، نظم خاصی در جهان برقرار می کند و به ما می فهماند که هر چیزی نمی تواند منشأ هر چیزی شود. کشاورز، صنعتگر، طبیب و هر کسی که در یک کار خاص وارد شده و برای آن برنامه ریزی کرده، متوجه همین اصل بوده است، گرچه عبارت «سنخیت میان علت و معلول» به گوش او نرسیده باشد.

نکته مهم

لازمه و نتیجه اصل

اصل

- | | |
|------------------------------|---|
| 1 اصل علّیت | 1 ارتباط و پیوستگی میان هر شیء و منشأ آن |
| 2 اصل وجوب بخشی علت به معلول | 2 تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی |
| 3 اصل سنخیت میان علت و معلول | 3 نظم و قانونمندی‌های معین میان دسته‌های مختلف پدیده‌ها |

بررسی

اگر کسی به طور جدی در هر یک از این اصول سه گانه و نتایج آن تردید داشته باشد، تبعات این تردید او چه خواهد بود؟

اگر کسی اصل علیت را انکار کند، نباید انتظار داشته باشد که با خوردن اب عطش او برطرف گردد
نیا بدید با دیدن یک پدیده کلمه «چرا» بگوید، تحقیق و جستجوی علمی را باید کنار بگذارد و در

الف) انکار اصل اول یا تردید در آن: حقیقت، دسب به هیچ کاری نباید بزند

ب) انکار اصل دوم یا تردید در آن:

اگر کسی اصل وجوب بخشی علت به معلول را انکار کند، مانند این است که خود اصل علیت را انکار کرده است و تأثیری برای علت قائل نشده است و بودن و نبودن علت برای او یکسان است و در واقع علت نقش واقعی در پیدایش معلول خود ندارد

ج) انکار اصل سوم یا تردید در آن:

اگر کسی اصل سوم (سنخیت) را نپذیرد، نمی تواند هیچ حادثه ای را پیش بینی کند و نمی تواند از هر موجودی آثار و لوازم خاص آن را انتظار داشته باشد و نمی داند که برای پیدا کردن علل حوادث، در کدام زمینه به جست و جو پردازد

به کار ببندیم

۱) مواردی که در زیر می آید، از نظر فیلسوفان، از نتایج اصل «علیت» و «سنخیت علت و معلول» است. آنان می گویند، چون هر انسانی این دو اصل را پذیرفته است، این موارد را هم به طور ضمنی قبول دارد. نظر شما در این باره چیست؟ نظر خود را روبه روی هر مورد بنویسید.

نتایج اصل علّیت و سنخیت	نقد و نظر
وجود نظم در میان پدیده ها	نظم جهان نتیجه همان سنخیت علی و معلولی است. اگر از هر چیزی هر چیزی پدید می آمد هیچ نظم و ترتیبی وجود نداشت
امکان پیش بینی رخدادها	این هم به علت قبول اصل سنخیت است، مثلاً با آمدن ابر، انتظار داریم که باران ببارد
امکان پیشگیری از برخی حادثه ها	چون میدانیم که مثلاً سیل باعث تخریب می شود، با ایجاد سد مانع سیل می شویم تا اثر سیل که تخریب خانه هاست، اتفاق نیفتد. پس در اینجا هم اصل سنخیت پذیرفته شده است
امکان پژوهش و تحقیق	پژوهشگر هم چون انتظار دارد که از هر پدیده های آثار خاصی مشاهده کند، تحقیق می کند تا آثار خاص هر پدیده را شناسایی کند
تنظیم امور زندگی	اینکه مثلاً انسان روز را برای کار و شب را برای استراحت قرار میدهد بدان جهت است که شب آثار خود را دارد و روز آثار خود را
به وجود آمدن شاخه های مختلف دانش	این هم بدان سبب است که پدیده های همونوع و نزدیک به هم آثار نزدیک به هم دارند

۲) دیدگاه های زیر، نظر کدام یک از فلاسفه است؟

- علّیت حاصل توالی پدیده هاست. تجربه گرایان
- درک انسان از علّیت، درکی فطری است. دکارت
- چون انسان از جهت ذاتی ممکن است، نیاز به علت دارد. ابن سینا و فلاسفه پیرو او و توماس اکوئیناس
- اصل علّیت یک اصل تجربی است. تجربه گرایان
- اصل علّیت یک اصل کاملاً عقلی است. عقل گرایان و فیلسوفان مسلمان

۳) شعر زیر کدام اصل را تأیید می کند؟ شرح دهید. ناظر بر اصل سنخیت علت و معلول است

چو بد کردی مشو غافل زآفات که واجب شد طبیعت را مکافات

www.my-dars.ir

انواع سوالات درس سوم فلسفه دوازدهم جهان علی و معلولی

تعیین کنید کدام یک از عبارات زیر صحیح و کدام یک غلط است؟

- 1- کلمه «چرا» بازتابی از رابطه «علت و معلول» است **صحیح**
- 2- رابطه علیت مانند رابطه دوستی است **غلط**
- 3- از نظر دیوید هیوم علیت مفهومی فراتر از حس است **صحیح**
- 4- از نظر فلاسفه مسلمان، اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی آید **صحیح**
- 5- از نظر ابن سینا پی بردن به علیت از طریق تجربه امکان پذیر است **غلط**
- 6- یکی از نتایج اصل سنخیت آن است که انسان از هر چیزی انتظار اثار متناسب با خودش را دارد **صحیح**
- 7- با آمدن علت، وجود معلول ممتنع می شود **غلط**

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید

- 1- یکی از کهن ترین مسائل فلسفی، مسئله است. **علت و معلول**
- 2- معلول در خود به علت نیازمند است. **وجود**
- 3- از نظر دیوید هیوم مفهومی فراتر از حس است. **علیت**
- 4- از نظر فلاسفه مسلمان اصل علیت یک قاعده است و از به دست نمی آید. **عقلی - تجربه**
- 5- کسی که صرفاً است نمی تواند تبیین قانع کننده ای از علیت اراده کند. **تجربه گرا**
- 6- براساس قاعده هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و پدید می آید. **سنخیت علت و معلول**
- 7- معلول امکان دارد؛ یعنی ماهیت آن نسبت به وجود و عدم است. **ذاتی - مساوی**

مجتبی محمودی، دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایزه

لینک کانال تلگرام: t.me/mahmoudi_izeh

مای دارس
گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir